

نقش پردازش‌های دینی در طرح مطالبات اجتماعی زنان عصر مشروطه

علی باغدار دلگشا^۱

عباس سرافرازی^۲

همازنجانی زاده^۳

هادی وکیلی^۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش پردازش‌های دینی در طرح مسأله مطالبات اجتماعی زنان ایرانی در دوره تاریخی مشروطه است. در این نگارش به بررسی مطالبه حق تحصیل برای زنان و نقش پردازش‌های دینی در طرح و به نتیجه رسیدن برخی از آن مطالبات پرداخته شده است. منبع شاخص در این پژوهش، مطبوعات دوره مشروطه است؛ دلیل اهمیت و توجه به مطبوعات در این دوره، اهمیت آن‌ها در قالب مهم‌ترین منبع اطلاع رسانی بودن در دوره مشروطه می‌باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر اسنادی و با استفاده از دو فن تحلیل محتوا و بافت موقعیت کلمات می‌باشد. این پژوهش به ثمر رسیدن اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در دوره مشروطه و نقش استفاده از روایات و پردازش‌های دینی، به عنوان حلقه واسط میان طرح مطالبات اجتماعی و تحقق مسأله حق تحصیل برای زنان در دوره مشروطه را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: زنان، مطالبات اجتماعی، مشروطه، حق تحصیل، پردازش‌های دینی.

1- ali.b.delgosha@gmail.com

2- ab.sarafrazi@ferdowsi.um.ac.ir

3- homa009@yahoo.com

4- vakili@ferdowsi.um.ac.ir

۱ - دانشجوی دکترا، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۲ - دانشیار، دانشگاه فردوسی مشهد

۳ - دانشیار، دانشگاه فردوسی مشهد

۴ - دانشیار، دانشگاه فردوسی مشهد

Role of religious processes in the presentation of Women's social demands in Constitution Period

Abstract

The aim of the current study is to investigate the social demands of Iranian women in the constitution period. In this study, the demand of education right for Women and the role of religious adaptations in the success of these demands are explored. The main information source of the current research is the printed matter belonging to the constitution period, which was chosen due to its importance as the main source of information in that historical period. The documentary research method has been used along with Content and Context Analysis. This study demonstrates the fruition of the main demand of Women in the constitution period and the role of using narratives and religious processes as the connecting bridge between the proposal of social demands and the presentation of women's education right in the constitution period.

Keywords: Women, Social Demands, Constitution, Education Right, Religious Processes.

مقدمه

از دوره مشروطه به عنوان یکی از ادوار مهم تجددگرایی در تاریخ ایران یاد می‌شود. دوره‌ای که هرچند در دوره تاریخی قاجار قرار دارد، اما به دلیل اهمیت، بسیاری از انگاره‌ها و اندیشه‌نگاری‌ها نوین را از نظر اجتماعی در آن می‌توان پردازش کرد. با آغاز خیزش‌های مشروطه‌خواهی و ورود نگرش نوین، مسأله طرح مطالبات اجتماعی و حقوق شهروندی نیز در ایران آغاز گردید؛ اندیشه‌ای که در حقیقت باعث جایگزینی اصطلاح «شهروند» به جای واژه «رعیت» در عرصه گفتمان‌های اجتماعی گردید. در این بین نکته اساسی دفاع از حقوق شهروندی و طرح مطالبات اجتماعی توسط گروهی می‌باشد که تا پیش از این از محرومیت در عرصه‌های اجتماعی برخوردار بودند. در طرح این مطالبات اجتماعی، زنان و انگاره‌پردازان دوره مشروطه تلاش می‌کردند تا با تأکید بر نقش فرهنگ دینی (سنت)، استفاده از آیات و روایات منسوب به پیامبر اسلام، پردازش و اقتباس از رخدادهای دینی و با تأکید بر الگوهای مورد تأیید اسلام مانند نقش مادری و اهمیت آن در تربیت فرزند، به مطالبات خود رنگی دینی دهند. بر همین اساس شاخصه اصلی دوره مشروطه را می‌توان در طرح مطالبات اجتماعی و توجه به حقوق شهروندی در قالب عریضه نویسی و مکتوب‌نگاری‌ها در مطبوعات به عنوان منابع مهم اطلاع رسانی در دوره مشروطه واکاوی کرد. در پژوهش حاضر بر اساس تحلیل موضوعی نامه‌نگاری‌های مندرج از زنان در مطبوعات چون ایران‌نو، شکوفه و مجلس به بررسی نقش پردازش‌های دینی در مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه پرداخته شده است.

دلیل پرداختن به موضوع نقش پردازش‌های دینی در طرح مطالبات اجتماعی زنان، اهمیت و تأثیرگذاری است که مسأله مذکور در به نتیجه رسیدن برخی مطالبات اجتماعی زنان مانند مسأله حق تحصیل داشته است؛ برای نمونه، زنان در شیوه استفاده از پردازش‌های دینی برای طرح مسأله حق تحصیل، ابتدا از احادیثی مانند «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» استفاده می‌کردند و پس از آن با انتخاب اسامی اسلامی مانند حجاب، عصمتیه، حجاب اسلامی و بنات اسلامی برای مدارس تازه تأسیس دختران، به اقدامات خود رنگی دینی و شرعی می‌دادند. همچنین در خصوص نقش پردازش‌های دینی

در مسأله مطالبات سیاسی نیز زنان به استفاده از پیشینه تاریخی حضور زنان مسلمان مانند زینب کبری در عرصه‌های سیاسی و نظامی پرداخته و برخی مطبوعات منتشر شده توسط زنان با تأکید بر نقش اجتماعی مهم زنان در اسلام در تلاش برای به دست آوردن مطالباتی چون حق رأی نیز بودند که بر خلاف مطالبه قبلی - حق تحصیل - این مطالبه در دوره مشروطه برای زنان محقق نشد. در این بین سؤال اصلی این است که آیا پردازش‌های دینی علاوه بر طرح مطالبات اجتماعی زنان، در تحقق مطالبات اجتماعی آنان در عصر مشروطه نیز نقشی داشته است؟ زنان در طرح مطالبات اجتماعی خود در چه حوزه‌هایی به استفاده از ساخت پردازش‌های دینی پرداخته‌اند؟ همچنین زنان چگونه با پردازش‌های دینی (سنتی) به دنبال طرح مطالباتی مدرن بوده‌اند و این که آیا استفاده از ابزاری سنتی برای رسیدن به خواسته‌هایی مدرن امکان‌پذیر بوده است؟

پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی موضوعی و محتوایی عرایض و مکتوبات مندرج از زنان در روزنامه‌های عصر مشروطه و برخی اسناد مانند عرایض زنان به مجلس شورای ملی، به بررسی نقش پردازش‌های دینی، استفاده از برخی روایات دینی در این مکتوبات و نقش روایات دینی استفاده شده در طرح مطالبات اجتماعی و سیاسی زنان به عنوان گروهی محروم از مزایای اجتماعی در اواخر دوره قاجار بپردازد. زنان در عرایض و مکتوبات خود با استفاده از روایاتی مانند «طالب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» و «طلب العلم فریضه علی کل مؤمن و مؤمنه» که منسوب به پیامبر اسلام است در تلاش برای کسب مشروعیتی دینی برای مسأله حق تحصیل به عنوان اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی خود بوده‌اند. همچنین با اشاره به نقش تاریخی خدیجه همسر پیامبر اسلام، فاطمه دختر ایشان و زینب کبری دختر علی بن ابی طالب نیز در تلاش بوده‌اند تا به مسأله حضور سیاسی زنان نیز مشروعیتی مذهبی دهند. این پژوهش نقش مثبت پردازش‌های دینی در طرح مطالبات اجتماعی به خصوص مسأله ایجاد مدارس دخترانه و عدم تحقق برخی مطالبات دیگر مانند مسأله حق رأی برای زنان در دوره مشروطه را نشان می‌دهد. در خصوص مسأله نقش پردازش‌های دینی در تحقق مطالبات اجتماعی زنان تاکنون تحقیقی تخصصی در قالب تحلیل موضوع نامه‌های زنان به نگارش در نیامده است اما از برخی منابع

به عنوان پیشینه‌های پژوهش حاضر که ارتباطی نسبی و موضوعی با مطلب مورد بحث این مقاله دارند می‌توان نام برد. در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه» به بررسی نامه‌های منتشر شده با محوریت مسائل و مطالبات اجتماعی مربوط به زنان در سه روزنامه ایران‌نو، مساوات و صور اسرافیل پرداخته شده است (باغدار دلگشا، ۱۳۹۴: ۷۹-۹۵)؛ در مقاله «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه» نیز به سیر نگارش مطبوعاتی زنان از دید جامعه‌شناختی اشاره شده و در قالبی توصیفی - تحلیلی به بررسی مطالب مربوط به زنان در سومین روزنامه منتشر شده توسط زنان در دوره مشروطه با عنوان زبان‌زنان به سردبیری صدیقه دولت‌آبادی پرداخته شده است (زنجانی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۸-۷۳). حسین آبادیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه» نیز به ذکر برخی مطالبات زنان پرداخته است (آبادیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱-۱۹). در مقاله مذکور بیشتر بر روزنامه عالم‌نسوان به سردبیری نوابه خانم صفوی متمرکز شده است؛ همچنین به جای دوره مشروطه بیشترین تأکیدها اختصاص به مکتوبات منتشر شده در ۱۳۰۰ شمسی به بعد پیدا کرده است. در مجموع تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات پیش از خود را علاوه بر بررسی مطبوعات دوره مشروطه به طور خاص در بررسی موضوعی و محتوایی و توجه به مسأله نقش پردازش‌های دینی در چگونگی طرح مطالبات مطرح شده توسط زنان باید دانست.

جایگاه اجتماعی زنان در دوره قاجار

زنان در باور سنتی عصر قاجار از نقش‌های اجتماعی محدودی برخوردار بودند. آنها با شکل‌گیری حرکت مشروطه‌خواهی در پی رسیدن به حقوق اجتماعی خود برآمدند. زنان در عصر قاجار از حق تحصیل محروم بودند و جامعه به آنان به عنوان افرادی فاقد فکر می‌نگریست (Sadeghi, 2007: 250). همچنین عرصه ادبیات و اجتماع هم که در اختیار مردان بود (Millani, 1992: 405). نتیجه تلاش اجتماعی زنان در این دوره نیز، بازگرداندن زنان به صحنه اجتماع و در دست گرفتن وضعیت اجتماعی زنان به دست خود آنان است.

برای شناخت صحیح‌تر از جایگاه اجتماعی زنان باید به منابع اصلی و نگارش‌های دوران مورد نظر تاریخی این پژوهش رجوع کرد. یکی از مهم‌ترین این منابع، نسخی خطی می‌باشد که در آن‌ها در خصوص نگاه جامعه به جنس زن سخن گفته شده است. بر این اساس ابتدا باید به رسائل تأدیبی پرداخت. رسائل تأدیبی عنوان نسخه‌هایی خطی است که با محوریت بیان احوال اجتماعی زنان در دوره قاجار تنظیم شده‌اند. در حقیقت این نسخه‌های خطی، منابع مهم و کمتر شناخته شده‌ای هستند که بر اساس آن‌ها در دوره قاجار، می‌توان به «احوال زنان» ایرانی و وضعیت اجتماعی آنان پی برد. نگارش رساله‌هایی چون «تأدیب النسوان»، «در مذمت زنان»، «در بیان تأدیب زنان»، «در بیان احوال زنان»، «مناقب النساء»، «آداب معاشرت نسوان»، «کتاب آداب النسوان»، «رساله النسوان» و ده‌ها رساله دیگر در دوران قاجار و نگارش آنان در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۰-۱۲۴۱ قمری، نشان از آن است که می‌توان به نسخه‌های خطی به عنوان یک منبع مهم در رابطه با شناخت و وضعیت اجتماعی زنان، تکیه کرد. بر اساس نگرش حاکم بر این نگارش‌ها، اصلی‌ترین وظیفه زنان، «اطاعت» از شوهر است. در حقیقت در زندگی مشترک، مرد امیر است و زن «اسیر»، «رضای شوهر رضای خداست و غضب شوهر غضب خدا» (بی‌نام، ۱۲۵۸ق: ۱۶۵). زن در طول حیاتش جز دو کار، امر دیگری نباید انجام دهد، «فرمان شوهر بردن» و «در خانه نشستن» (همان: ۱۶۸)، نشستنی که در حقیقت از نظر اجتماعی آغازگر انقیاد اوست. او باید «ذلیل» و «اسیر» شوهر باشد (بی‌نام، ۱۲۶۵ق: ۳۱-۱۸) و برای مردان نیز «اطاعت ایشان نهایت جهل» دانسته شده است زیرا زنان «خفیف‌العقل» اند و «عقل ایشان ناقص» است (همان: ۱۸۲). بر اساس این رسائل، «خداوند عالم جنس رجال را اشرف و اعقل از جنس نساء خلق فرموده»؛ مردان «مطاع» اند و زنان «مطیع». در این رساله زنان در کنار «مجانین و سفهاء و اطفال» قرار گرفته‌اند که به دلیل بی‌عقلی، «تکلیف» هم ندارند. «شیطنت و مکر ایشان زیاده از حد است» (همان: ۱۸۳) و «خلاصه شیطان چنان این طایفه را مسخره کرده که برای آن‌ها هوا و هوس و فکری و خیالی جز متابعت خود باقی نگذارده»؛ نکته مهم در این رسائل که به اصطلاح در «مناقب» زنان است، اصطلاح «انقلاب حالتی» (همان) است که مردان را مجاز می‌داند در صورت «مطیع» نبودن زنان،

خشم خود را با ضرب و شتم به آنان نشان دهند. در مجموع می‌توان عنوان داشت هر چند در دوران قاجار با حضور اجتماعی برخی زنان شاخص در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مواجه هستیم؛ اما این زنان همگی زنان وابسته به دربار هستند و مشروعیت حضور سیاسی و اجتماعی خود را از شخص شاه و دیگر رجال دولتی که پدر، برادر، همسر یا فرزند آنان هستند اخذ می‌نمایند؛ بر این اساس در حقیقت از نظر اجتماعی زنان در دوره قاجار نه تنها از حقوق اجتماعی برخوردار نیستند که حتی در برخی موارد همچون مردان نیز جزء رعیتی که دارای حداقل حقوق شهروندی باشند هم به حساب نمی‌آیند.

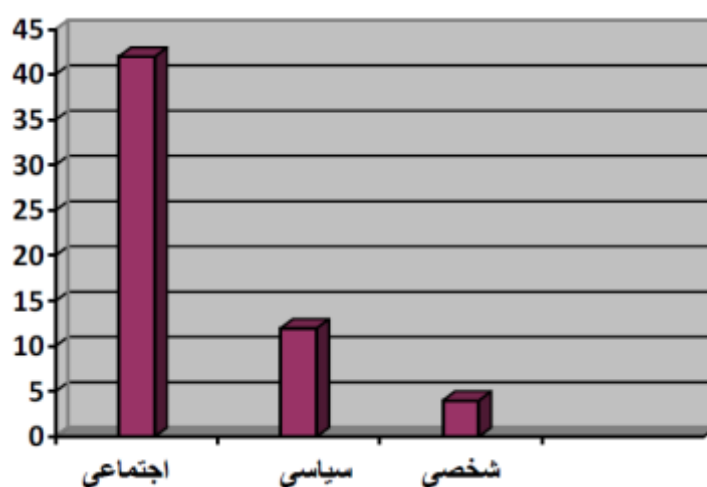
مشروطه و طرح مطالبات اجتماعی زنان

مطالبات اجتماعی، اصطلاحی جامعه‌شناختی می‌باشد. در این نگرش به مردم و دیگر فراموش شدگان تاریخ در قالب نگرش تاریخ از پایین که برای نخست بار پالمر تامپسون به آن پرداخت، توجه می‌گردد. استفاده از این نگرش در پژوهش حاضر در مورد زنان به عنوان نیمه فراموش شده تاریخ دوره مشروطه قابل استفاده است (Thompson, 2001: 481-9). در دوره مشروطه به عنوان یکی از ادوار مهم تجدد گرایی، سبک جدید طنزنویسی و روزنامه‌نگاری ایجاد شده و گروهی به انتقاد از شرایط طبقاتی و تبعیض جنسی در جامعه پرداخته و گروهی از زنان نیز گویش زنانه را که می‌توان همان سبک زنانه نامید، در نامه‌نگاری‌ها و نگارش‌های خود به کار برده‌اند. نمونه بارز این به‌کارگیری، سبک زنانه‌ای است که در روزنامه‌های زنان مانند دانش، شکوفه و به خصوص زبان‌زنان اتفاق می‌افتد. نمونه بارز استفاده از سبک زنانه در دوره مشروطه، به عنوان سبکی که بیان‌گر حالات و گفتار خاص زنان می‌باشد، تأکید بر احساسات و عواطف مادری و تأکید خاص بر این نقش است که بر اساس آن، زنان تفکر مردسالارانه در جامعه را به چالش کشیده‌اند (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در بررسی وقایع مشروطه، زنان و مسأله طرح مطالبات اجتماعی آنان در قالب نقشی مهم ظهور می‌یابد. حرکتی که وجود تضادهای اساسی اجتماعی مانند: تضادهای طبقاتی، جنسی، فرهنگی و مذهبی در پیدایش و پیامدهای آن نقشی مهم داشته است.

دلیل توجه زنان به مطبوعات برای طرح مطالبات جامعه‌شناختی در این دوره این است که در این دوران صرفاً دو منبع منبر و مطبوعات هستند که می‌توانند نقش اطلاع‌رسانی برای جامعه ایران در دوره قاجار را ایفا کنند. در میان مطبوعات عصر مشروطه، آنهایی که توجه ویژه‌ای به زنان و مسائل اجتماعی آنان نشان می‌دادند عبارت بودند از صوراسرافیل، حیل‌المتین، مساوات، ایران‌نو، تمدن و ندای وطن و برخی مطبوعات دیگری که دارای دو گرایش مشابه هستند: ۱- اندیشه مشروطه خواهی ۲- تعامل مبانی دینی (سنتی) با نگرش‌های مدرن. به طور مثال در نامه‌ای که «یکی از نسوان جان‌نثار وطن» آن را در روزنامه صوراسرافیل به نگارش در آورده است به شدت از مخالفان مشروطه انتقاد شده است (صوراسرافیل، ۲۱ جمادی الآخر ۱۳۲۵: ۴-۵). انتقاد مطرح شده در این نامه بیش‌تر از این جهت دارای اهمیت است که یک زن با به حساب آوردن خود در دایره اجتماعی و قالب شهروندی طرفدار مشروطه، نخست با طرح نگارش نامه به مشروعیت بخشیدن به حضور خود در جامعه پرداخته است و از دیگر سو با ارائه نظر در خصوص گفتمان رایج سیاسی-گفتمان مشروطه‌خواهی- به اعلام نظر سیاسی خود نیز روی آورده است. همچنین برنامه‌ای دیگر که یکی از «طرفداران علم نساء مظلومات ایرانی» آن را به نگارش در آورده است به انتقاد از وضعیت نابرابر تحصیلی زنان پرداخته است (مساوات، ۱۹ صفر ۱۳۲۶ق: ۶). امری که دلیل اهمیت آن را علاوه بر نوع درخواست زنان که همان مسئله حق تحصیل و مباحث فرهنگی است باید در شکل‌گیری نخستین زمینه‌های مسئله مهم طرح مطالبات اجتماعی دانست.

در روزنامه ایران‌نو که یکی از مهم‌ترین مطبوعات دوره مشروطه در رابطه با طرح مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه است حدود ۶۲ نامه از زنان درج شده است. نامه‌هایی که بیش از نیمی از آنها از نظر موضوعی اختصاص به مسائلی چون حقوق شهروندی، طرح مطالبات اجتماعی و خواسته‌های فرهنگی- اجتماعی زنان به عنوان گروهی که تا پیش از این از هرگونه حق مدنی محروم بوده‌اند، دارند. برای نمونه برنامه‌ای که یکی از شاگردان دبستان ناموس به نگارش در آورده است، اشاره می‌کند که تربیت نسوان و ایجاد راه‌های سوادآموزی برای دختران چه مقدار می‌تواند موجب پیشرفت و سعادت مملکت ایران

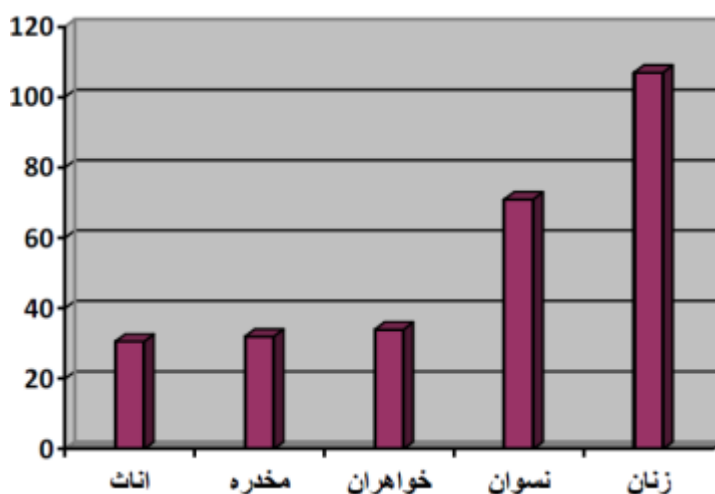
گردد (ایران نو، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ ق: ۲). موضوع نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه ایران نو به تفکیک مباحث اجتماعی، سیاسی و مسائل فردی به ترتیب عبارت است از ۴۶ نامه، ۱۲ نامه و ۴ نامه. جدول زیر نیز نشان دهنده تقسیم‌بندی موضوعی نامه‌های مندرج در روزنامه ایران نو است:



نمودار موضوعی نامه‌های زنان / روزنامه ایران نو

از نظر بافت موقعیت کلماتی نیز پرکاربردترین کلمات در مجموع نامه‌های موجود از زنان در روزنامه ایران نو عبارت است از واژگانی چون: «اناث»، «مخدره»، «خواهر»، «نسوان» و «زنان» با ضریب تکرار ۲۷۵، «علم» با ضریب تکرار ۲۰۸، «دبستان» و «مدرسه» با ۱۳۶ مرتبه تکرار، «ترقی و تمدن» با ۱۳۱ مرتبه تکرار، «پرورش و تربیت» با ۱۱۲ بار تکرار و «اسلام» و «مذهب» با ۸۳ مرتبه تکرار. در این نامه‌ها نیز واژگانی چون «اسلام»، «دین»، «مذهب» و «شریعت» در قالب نقشی واسطه‌ای میان دو اصطلاح «نسوان» و «تربیت» به کار رفته‌اند. همچنین نکته مهم در نامه‌های مندرج از زنان در این بین، واژگانی است که زنان به معرفی خود با آن‌ها پرداخته‌اند. بررسی واژگان در این نامه‌ها نشان از تغییرات زبانی در گفتار زنان دارد. به صورتی که با گذشت زمان استفاده از واژگانی چون اناث با ۳۱ بار تکرار و مخدره با ۳۲ بار تکرار، جای خود را به واژگان جدید مانند زنان با ۱۰۷ مرتبه تکرار

داده است و کاربرد کلمه خواهران با ۳۴ مرتبه تکرار و ضمیر ما با ۳۳۰ مرتبه تکرار بیان‌گر ایجاد زمینه‌های اتحاد جمعی میان زنان است.



نمودار واژگان پرتکرار برای معرفی زنان در نامه‌های مندرج در روزنامه ایران نو

علاوه بر روزنامه ایران نو نیز برخی مطبوعات دیگر هم به مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در شکل درج مکتوبات آن‌ها توجه نشان داده‌اند. وجه شباهت موضوعی تمامی این منابع، استفاده آن‌ها از پردازش‌های دینی در طرح مطالبات زنان است. یکی از اصلی‌ترین موضوعات محوری در این میان، توجه به موضوع حق تحصیل زنان است. اهمیت ایجاد مدارس نسوان تا این حد بود که حتی در مطبوعات فارسی زبان مصر چون حدید هم مقالاتی چون «طلب‌العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (حدید، ۲۶ رجب ۱۳۲۴ق: ۱۹) را در مورد اهمیت حق تحصیل و معارف برای زنان و تأکید بر روایات دینی برای طرح آن را می‌توان دید. «عریضه یکی از خواتین با علم بعنوان [خطاب به] آقای محمد مجتهد دامت برکاته» یکی از نامه‌نگاری‌های مهم زنان در روزنامه مجلس است. این نامه علاوه بر اهمیت موضوعی، به دلیل انتشار در روزنامه مجلس که ارگان رسمی اطلاع‌رسانی در رابطه با جلسات و قوانین مجلس شورای ملی نیز بوده است، حائز اهمیت می‌باشد. نویسنده نامه که نام او مشخص نیست، به مسأله نقش زنان در استقلال ملی

پرداخته است. نگارنده در مکتوب خود عنوان داشته است «در این مملکت زن نباشد مرد پیدا نخواهد شد و تا مرد پیدا نشود از علم استقلال مملکت و بقای ملت ایمن نمی‌توانیم بود» (مجلس، ۱۶شوال‌المکرم ۱۳۲۴ق: ۳). از نظر تحلیل محتوا نیز، در این نامه، کلماتی که در برگزیده سه مفهوم «تربیت»، «نسوان» و «اسلام» است، بیش‌ترین مقدار تکرار و تأکید را دارند؛ در این نامه «اسلام» و پردازش‌های دینی، حلقه واسط میان دو مسأله «تربیت» و «نسوان» است.

در نامه‌ای دیگر با عنوان «مکتوب یکی از مخدرات»، پس از بررسی محدودیت‌ها و محرومیت‌های زنان ایرانی، نگارنده نامه با مخاطب قرار دادن «پدران»، ضمن نقد به نظام پدرسالار، در رابطه با تحصیل دختران اشاره داشته است، زمانی که اندک سواد می‌آموختیم به جای آن که مورد تشویق قرار گیریم «پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته [...] که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد؟» (تمدن، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق: ۳-۴). او اشاره دارد زنان ایرانی «غیر از زائیدن» کاری دیگر نمی‌دانند و در رابطه با عامل بی‌سوادی زنان ایرانی در دوره قاجار اشاره داشته است: «شما پدران ما بودید که ما را این طور پروریدید» (همان). در این نوع نامه‌نگاری‌ها در حقیقت اصطلاحاتی چون «پدران» مجازی از تمامی مردان و نگرش‌های مردسالارانه در جامعه ایران می‌باشد.

برخی دیگر از موضوعات متفاوت نامه‌های زنان در مطبوعات دوره مشروطه که در آن‌ها مواردی چون مسأله «علم‌اندوزی»، «حق‌اداره کشور» و برخی امور دیگر اشاره شده است به شرح زیر می‌باشند:

عنوان نامه: «لایحه انجمن مخدرات وطن»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
اتحاد زنان «علم‌اندوزی» استقلال ملی	ملل متمدن	زنان و مردان	زنان، «وزرای عظام» و نمایندگان مجلس شورای ملی	«شرق»

(شرق، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ق: ۳)

عنوان نامه: «لایحه اتحادیه غیبی نسوان»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
قانون خواهی حقوق اجتماعی زنان حق اداره کشور	ایران قبل از مشروطه	مردان	مجلس شورای ملی	«ندای وطن»

(ندای وطن، ۲۳ شعبان ۱۳۲۵ق: ۴-۲)

عنوان نامه: «تقدیم زنانه یا همت مردانه [مکتوب یکی از مخدرات]»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
مشارکت سیاسی و اقتصادی در اداره کشور	ندارد	مردان	«برادران وطن»	«طوس»

(طوس، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۸: ۳)

عنوان نامه: «صورت تلغرافی که از جانب قومیته زنان ایرانی مقیمین اسلامبول به
امپراطوریس و قرالیچه‌های دول اجنبیه کشیده شده»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
آزادی زنان مبارز ایرانی از ظلم محمدعلی شاه	دیگر زنان عالم	زنان و مردان	«امپراطوریس و قرالیچه‌های دول اجنبیه کشیده شده» و فعالان حقوق زنان	«شمس»

(شمس، ۱۴ شعبان ۱۳۲۶ق: ۸)

عنوان نامه: «آگاهی یا حقیقت مطلب» از «ملک تاج»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
توجه به اهمیت علم «قابله کی» برای دختران ایرانی	«مملکت ژاپن»	زنان	«بخانمهای محترمه»	«شکوفه»

(شکوفه، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ق: ۳-۲)

از نظر جامعه‌شناختی نیز باید اشاره داشت که مخاطب اصلی زنان در این نامه‌نگاری‌ها، مردان می‌باشند. کسانی که بر اساس بافت‌های اجتماعی ایران در دوره مشروطه در قالب ممنوعیت حق تحصیل و سواد برای زنان و وجود رویکردهای پدرسالار و مردسالار بیش‌ترین گروه مخاطب خوانش مطبوعاتی را دارند. همچنین باید اشاره داشت که در میان مطبوعات عصر مشروطه، بیشتر روزنامه‌های مشروطه‌خواه به درج نامه‌نگاری‌های زنان پرداخته‌اند؛ امری که نشان دهنده فرصت‌گزینی زنان و تناسب درخواست‌های اجتماعی آنان با میزان گسترش اندیشه مشروطه‌خواهی است. نکته اساسی دیگر در این بین این است که بیشتر نامه‌های مذکور فاقد نام اصلی نویسنده‌اند؛ در حقیقت زنان در این نامه‌ها برای معرفی خود از نام‌های مستعاری چون طایره، کمینه و نسوان ایرانی استفاده کرده‌اند. امری که به نوعی خفقان موجود اجتماعی و حدود و تسلط بافت‌های سنتی مبنی بر عدم ظاهر شدن جنس زن در جامعه ایران عصر قاجار را نشان می‌دهد، همچنین وجود اسامی مستعار مانند «نسوان ایرانی» به نوعی نشان دهنده این امر است که زنان در نامه‌های خود از یک سو در پی کسب مشروعیت جمعی برای زنان و تحقق مسأله اتحاد جمعی زنان می‌باشند و از دیگر سو مشروعیت‌شان را از زن بودن خود کسب می‌نمایند نه از صبیبه بودن یک مرد یا همسر و خواهر بودن با او.

در این نامه‌نگاری‌ها، زنان به اعلام موجودیت «جنس زن» پرداخته‌اند، آنان در این نامه نگاری‌ها در تلاش بودند تا مشروعیت به موجودیت جنس خود دهند. زنان ایرانی جایگاه اجتماعی خود را در قالب مفاهیم گسترده‌تری چون «عالم بشریت» و «عالم انسانیت» قرار داده‌اند و با استفاده از ضمایی چون «ما»، زمینه‌های اتحاد جمعی زنان را مطرح می‌ساختند؛

ضمیری که یگانگی و یکی بودن را نشان می‌دهد. همچنین آنان با استفاده از الفاظی چون «خواهران»، در تلاش بودند بر ویژگی‌ها و مطالبات اجتماعی مشترک تکیه کنند. در حقیقت این واژه را می‌توان کلمه‌ای مهم در زمینه‌های ایجاد اتحاد جمعی دانست و آن را در قالب جهانی با عناوینی چون جهانی بودن خواهری مطرح نمود. بر اساس نوع نگارش این نامه‌ها، زنان در تلاش بوده‌اند سرکوبی خود از مزایای اجتماعی را در شکل فرودستی و پس از آن در قالب محرومیت نشان دهند و با استفاده از آیات و روایات دینی و تأکید بر پیشینه تاریخی حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، مشروعیت لازم را برای طرح مطالبات خود به دست آورند.

نقش پردازش‌های دینی در طرح مطالبات اجتماعی

انگاره‌پردازی‌های یا اقتباس‌های دینی و توجه به مسأله نقش فرهنگ دینی در خیزش مشروطه نیز متناسب با باورهای مذهبی جامعه ایران ظهور پیدا کرده‌است. در این نگرش تصور اندیشه دو قطبی مشروطه‌خواه و استبدادگر در شکل نگرش حق و باطل یا حسینی و یزیدی شکل می‌گیرد. نمونه بارز این امر را می‌توان در فتوای تحریم تنباکو، مسأله فروش فرزندان رعایای قوچان و همچنین محاصره تبریز توسط نیروهای عین‌الدوله در دوره استبداد صغیر جست‌وجو نمود. بر این اساس نقش و تأثیرپذیری از فرهنگ دینی در مکتوب‌نگاری زنان تبریز در دوره استبداد صغیر که نمونه‌هایی از آن در روزنامه انجمن تبریز منتشر شده به وضوح قابل مشاهده است. زنان در این نگارش‌ها خطاب به عین‌الدوله که از جانب محمدعلی‌شاه مأمور سرکوب اهالی تبریز بود به ذکر این جمله که «خدا و پیغمبر را فراموش کرده به محمد علی میرزا فریب خورده‌اید» و این که «سیلها از خون مسلمانان» (انجمن، ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۴ ق: ۳) در تبریز جاری است، انگاره‌هایی از نگرش حق و باطل نگریستن به اندیشه مشروطه و استبداد را ترسیم می‌نمایند. این زنان در نامه خود خطاب به عین‌الدوله اشاره دارند «راه آذوقه و آب را به روی ملت بسته نام خویش را تالی نامه‌های شمر و عمر بن سعد می‌کنی» (همان)، تعبیری که از یک سو مخالفان مشروطه را چون پیروان یزید معرفی می‌نماید و از دیگر سو تشبیه سازی میان مظلومیت رعایای تبریز با مظلومیت خاندان پیامبر را مطرح می‌سازد. در این جمله نیز اصطلاح «ملت» در معنای دینی و شرعی



آن در قالب امت پیامبر اسلام مد نظر است و وجود نام‌های «شمر» و «عمر بن سعد» و بستن راه آب، انگاره‌پردازی و تشابه‌سازی به واقعه کربلا است. زنان تبریزی در این نامه‌ها، محمدعلی شاه قاجار را «یزید آل قاجار» و «آن بدتر از یزید» معرفی کرده‌اند و اقدامات او در رابطه با فرمان محاصره تبریز، شبیه عملکرد یزید در «مصیبتی [...]» که به سر حضرت حسین (ع) آورده است» تلقی شده است. در این نگرش دینی، اهالی آذربایجان، «پیروان سید احرار» معرفی می‌شوند که در «زیر ظلم یزید» قرار گرفته‌اند (نالۀ ملت، ۲۷ شعبان ۱۳۲۶ ق: ۳).

در این انگاره‌پردازی‌های دینی از برخی وقایع قرآنی چون نابودی اصحاب فیل توسط ابابیل استفاده می‌شود. در این پردازش دینی، مجلس شورای ملی به «کعبه آمال ملت» و «شیعیان» تشبیه می‌شود و نیروهای محمد علی شاه، اصحاب فیل و مردم ایران در جایگاه پرندگان ابابیل. به کار بردن عبارت «الم تر کیف فعل ربک ببیرق القاجار» (نالۀ ملت، ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۶ ق: ۲) در این تصورپردازی نمونه‌ای از این شبیه‌سازی است.

همچنین در این نامه‌نگاری‌ها است که «کفن پوش» (ملکزاده، ۱۳۳۹: ۸۷) ظاهر شدن زنان علیه اولتیماتوم دوم روسیه خود را در قالب دینی نشان می‌دهد. همچنین اصطلاح «مقدس» که تا پیش از این برای مبانی و اصول دینی به کار می‌رفته است، اینک در شکل «انجمن مقدس ملی تبریز» و «اساس مقدس» (انجمن، ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۴ ق: ۱) برای مشروطه به کار می‌رود، قانون اساسی، «قانون محمدی» (همان) خطاب می‌گردد و مشروطه طلبان نیز «ملت محمد». در رابطه با مسأله علم اندوزی نیز مطبوعات این دوره با تأکید بر مسأله علم اندوزی و استفاده مکرر از روایت «اطلبوا العلم من المهد للهد»، اشاره داشته‌اند که «اشرف از علم چیزی در عالم نیست» (رهنما، ۲۶ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵ ق: ۲) و با تمسک جستن از روایت مذکور و همچنین انتخاب عناوینی چون «عفت»، «اسلام»، «عصمت»، «حجاب» و «عقیقه» در نام مدارس دختران در تلاش بودند تا وجه‌ای دینی به مسأله حق تحصیل دختران به عنوان اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی خود در دوره مشروطه بدهند. همچنین علاوه بر مکتوبات مندرج از زنان ایرانی در مطبوعات دوره مشروطه، به «عرض حال»هایی که آنان خطاب به مجلس شورای ملی نیز به نگارش درآورده‌اند باید توجه

داشت. برای نمونه در برخی از این عرایض، زنان ایرانی با تطبیق وقایع مشروطه با وقایع کربلا، هم ردیف تلقی کردن کشتگان مشروطه با «شهدای کربلا»، تعریف نقش اجتماعی زن ایرانی با «زن‌های بنی‌اسد»، استفاده از الفاظی چون «خواهران دینی» و تأکید بر مسأله «اسلامیت» در کنار «ایرانیت» و استفاده از برخی آیات قرآن (ترکیچی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۳، ۱۸۰، ۲۴۶) در تلاش هستند تا با استفاده از فرهنگ دینی به طرح مطالبات خود پرداخته و با توجیهات مذهبی به آن‌ها مشروعیت بخشند. در این تلاش، زنان از دو روش استفاده نمودند: ۱- تأکید بر نقش مادری و ۲- تأکید بر پیشینه تاریخی حضور زنان در عرصه اجتماع که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱- تأکید بر نقش مادری

نقش مادری را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین امتیاز زن ایرانی در طرح مطالبات اجتماعی و رابطه آن با فرهنگ دینی به حساب آورد، بر همین اساس زنان در نامه‌نگاری‌های خود، بر نقش مادری تأکید زیادی می‌ورزیدند. بر این اساس از «مادرگرایی» به عنوان اصلی‌ترین امتیاز جنس زن نامبرده می‌شود؛ ایران و وطن نیز در قالب مام وطن و مادر ایران در نگارش‌های فرهنگی و اجتماعی این دوره ظاهر شده‌اند. در این بین تفاوت عمده خیزش اجتماعی زنان ایرانی با زنان اروپا که حرکت‌های خود را در قالب اندیشه‌های فمینیستی شکل می‌دهند همین امر است که زنان ایرانی بر نقش مادری به عنوان یک ویژگی بر ترانه برای زن آن هم در قالب تأثیرپذیری از اهمیت نقش مادری در اندیشه فرهنگ دینی استفاده می‌کنند که نمونه‌های آن در نامه‌نگاری‌های آنان در مطبوعات عصر مشروطه قابل مشاهده است. برای نمونه در روزنامه فکاهی بهلول تهران، تصویری زنی درج است که حیوانات در حال حمله به او هستند، حیوانات نمادی از استبداداند و آن زن، «بیچاره وطن» (بهلول، ۸ ربیع الآخر ۱۳۲۹ ق: ۱) نام دارد در قالب جنسیتی خاص ظاهر می‌گردد. نمونه دیگر نامه‌ای است با عنوان «مادر ما ایران» (زبان‌زنان، ۹ شوال ۱۳۳۸: ۱). زنان در این نامه علاوه بر این که ایران را با نام «مادر وطن» معرفی می‌کنند، از جامعه جهانی نیز با عنوان «مادر بزرگ» و مادر بشر نیز یاد می‌کنند.

نمونه دیگر این امر مقاله‌ای با عنوان «شکوفه» است. در این مقاله در کنار تأکید بر نقش مادری، به دلیل نوع الگوگیری‌های انقلاب مشروطه از انقلاب کبیر فرانسه و تقلید از شخصیت ناپلئون، تمام موفقیت ناپلئون نیز به دلیل نوع تربیت مادر او معرفی می‌شود (عصرجدید، ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۲ق: ۳). در این مقاله اشاره شده است «اول اصلاحات از خانه آغاز می‌شود» و اشاره دارد این اصلاحات را باید مادران با فرستادن فرزندان خود به مدارس برای علم اندوزی آغاز نمایند. در نگارشی دیگر با عنوان «تربیت از گهواره تا لحد همراه است» از بانویی با نام صفوت که در نخستین روزنامه منتشر شده توسط زنان با عنوان «دانش» انتشار یافته است در رابطه با اهمیت مسأله حق تحصیل و نقش مادری دختران در آینده، تأکید شده است:

عنوان نامه: «تربیت از گهواره تا لحد همراه است» از ع. صفوت

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
توجه به نقش «خانواده» در تربیت فرزند و سلامت اطفال، حق تحصیل دختران (مادران آینده) و «حسن تربیت نسوان»	زنان تربیت شده و زنان آموزش ندیده	مردان	جامعه ایران	«دانش»

(دانش، ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ق: ۴-۲)

همچنین جداول ذیل نمونه‌هایی دیگر از عرایض و نامه‌نگاری‌های زنان است که در آن‌ها زنان تأکید بر مسأله حق تحصیل را به دلیل نقش تربیتی مادری دارای ارزش دانسته‌اند و برای طرح آن از پردازش‌های مذهبی استفاده کرده‌اند. وجه مشترک تمامی این نامه‌ها از نظر ساختاری و موضوعی به ترتیب عبارت است از طرح اولیه مطالبات اجتماعی زنان و تأکید بر نقش مادری و تربیتی آنان.

عنوان نامه: «لایحه تبریک است که از سرکار خانم مدیره محترمه دوشیزگان وطن رسیده»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
«تربیت عمومی [ء] تعلیمات بنین و بنات» اهمیت نقش تربیت زنان به دلیل وجود نقش مادری، ایجاد انگیزه در مدیران مدارس نسوان برای گسترش و ایجاد مدارس دیگر	«مملکت انگلستان» و «دولت فرانسه»	زنان و مردان	مردم ایران	«شکوفه»

(شکوفه، ذی‌قعدة ۱۳۳۰ق: ۱-۳)

عنوان نامه: «در اساس اسایش زنده‌گی خانم‌های محترمه»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
انتقال تجربیات در رابطه با نوع رفتار اجتماعی و یادگیری نقش مادری توسط مادران به دخترانشان	«همسایگان» که منظور ژاپن و عثمانی است	زنان	«زنان ایران»	«شکوفه»

(شکوفه، غره‌صفر ۱۳۳۲ق: ۴)

عنوان نامه: «عوالم النساء»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
اهمیت «مدارس و مکاتب» برای نسوان، اهمیت «حفظ الصحه» برای زنان و فراگیری کارهای هنری و صنعتی برای آنان	جامعه فرانسه	زنان	زنان ایرانی	«شکوفه»

(شکوفه، ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۳۳ق: ۲)

عنوان نامه: «نامه از تهران»

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
برابری اجتماعی و اهمیت تحصیل برای زنان	«مادران دانا با مادران نادان»	زنان و مردان	مردم	«زبان زنان»

(زبان زنان، ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۸ ق: ۱-۲)

۲- تأکید بر پیشینه تاریخی حضور زنان در عرصه اجتماع

در کنار تأکید بر نقش مادری، عامل دیگری که زنان برای طرح مطالبات اجتماعی خود استفاده می‌نمودند، تأکید بر پیشینه تاریخی حضور زنان در عرصه اجتماع و تاریخ بوده است که با تأکید بر رویکردهای مذهبی مورد اراکه آنان قرار گرفته است. آنان در نگارش‌های خود با تأکید بر نقش زنان در دو عرصه تاریخ ملی و تمدن بشری در تلاش برای کسب مشروعیت برای حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی بودند. در این ستیز، زنان برای نشان دادن برتری خود در اداره کشور به روایات و حماسه‌های ملی هم روی آورده‌اند. در این نگرش فرهنگی-تاریخی، زنان به جای آنکه بیشتر از نام کسانی چون پوران‌دخت و آذرمیدخت که نام آنان در شاهنامه آمده است، استفاده نمایند، از نام پادشاه اسطوره‌ای، همای دختر بهمن استفاده کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد دلیل، تقدم زمانی روایات اسطوره‌ای بر روایات شاهنامه باشد و این پیشینه تاریخی، قدرت داشتن تاریخی زنان را بیشتر به عقب می‌برد. در برابر این نکته که چرا از اسامی زنانی چون فرانک، رودابه، تهمینه یا دیگر زنان مطرح شاهنامه استفاده نمی‌شود نیز باید عنوان داشت، همای، زنی است که قدرت حکمرانی را در دست داشته است و البته تفاوتش با پوران و آذر که هر دو شاه ایران هم بوده‌اند در مدت زمان حکمرانی‌اش می‌باشد. در آن تطبیق، همای دختر بهمن نمادی از الگوی صلاحیت حضور و اداره جامعه برای زنان می‌شود. آنان خطاب به مردان اشاره دارند «سلطنت همای بهمن دخت را با سلطنت دارا [داریوش سوم] مقایسه فرمایند که به واسطه خرافات عقل،

کدامیک لکه تاریخی به بار آوردند» (حبل‌المتین، ۱۶ شوال ۱۳۲۴ق: ۸-۷). حتی در نگارشی در روزنامه صوراسرافیل در مقاله‌ای با عنوان «شورش قلم» به «مساوات و حریت و اخوت» به پادشاهان اساطیری اشاره می‌گردد و از قدرت سیاسی و حراست از مرزهای ایران توسط «همای بنت بهمن» سخن به میان می‌آید (صوراسرافیل، ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵: ۶).

در نامه‌ای با عنوان «نگارش یکی از مجلات قزوین» که در روزنامه حبل‌المتین احتمالاً به صورت نشر مجدد، منتشر گردید، به پیشینه تاریخی زنان آن هم در قالب مذهبی پرداخته شد. در این نامه نیز زنان به معرفی زنان برجسته تاریخ اسلام مانند «مریم مادر عیسی» و «فاطمه دخت نبی» و زنان برجسته دیگر ملل می‌پردازند (حبل‌المتین، ۱۶ شوال ۱۳۲۴ق: ۸-۷) و در آن در پی بدست آوردن حق تحصیل و آموزش برای زنان هستند. همچنین تأکید بر حضور «جناب سکینه» دختر امام حسین و «جناب زینب» دختر علی بن ابیطالب در عرصه‌های اجتماعی و ارتباط دادن آن به مسأله «تعلیم نسون» در روزنامه مظفری (بی‌نام، ۱۳۷۸: ۲-۱۶۰) و «تظلم جماعت نسون طهران به انجمن محترم اتحادیه طلاب» از زنان تهران بر نقش فرهنگ دینی در طرح مطالبه اجتماعی حق تحصیل برای زنان تأکید شده است. اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در این نامه‌ها نیز مسأله حق تحصیل است. زنان در این نامه‌ها به دلیل نوع مخاطب، از روایات دینی و گفتار پیامبر اسلام در رابطه با اهمیت سوادآموزی سخن گفته و الگوی اجتماعی خود را «دختران و همسران امامان شیعه» معرفی کرده‌اند (مساوات، ۱۹ صفر ۱۳۲۶ق: ۶-۵). زنان در این نگاره‌پردازی، حقوق فرهنگی-اجتماعی خود را در قالب روایت «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» مطرح ساخته و بر اساس این روایت «طلب علم را بر نسون»، «واجب» معرفی کرده‌اند (حبل‌المتین، ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق: ۴).

در میان زنان نامه‌نگار در مطبوعات مشروطه، علاوه بر اشخاصی مانند مریم مزین السلطنه و صدیقه دولت‌آبادی که خود سردبیران دو روزنامه شکوفه و زبان زنان بودند، دو شخص دیگر با نام‌های بی‌بی خانم وزیرف و طایره نیز وجود دارند که نسبت به دیگر زنان، حجم بیشتری از نامه‌نگاری در رابطه با مطالبات اجتماعی زنان را در تمامی مطبوعات دوره

مشروطه به خود اختصاص داده‌اند. بی‌بی خانم وزیرف، مدیر مدرسه «دبستان دوشیزگان» در نامه‌ای با عنوان «لایحه یکی از خواتین»، به ذکر این پرسش می‌پردازد که:

جناب مستطاب حجه الاسلام آقای شیخ فضل‌الله نوری در روزنامه که به طبع رسانیده [لوايح] از زاویه مقدسه [حرم عبدالعظیم] به طهران فرستاده و منتشر فرموده‌اند این دو کلمه دیده‌شده که مدرسه [و] علم برای نسوان خلاف دین و مذهب است (حبل‌المتین، ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق: ۴).

نگارنده در این نامه به تفاوت قرائت فضل‌الله نوری از مفاهیم دینی پرداخته و خطاب به فضل‌الله نوری اشاره دارد:

نوری که مخالفت با حق تحصیل برای زنان را گفته خدا می‌داند، بداند که «روی سخن حقیره با خدائی است که شما او را از عدل بی‌نیاز کرده و او را به ما نسوان، [ظالم قلم داده‌اید]... [پیغمبر گرامی ان خدای ما جل و علا فرموده است که طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه و خیلی فرق است ما بین خدای ما که طلب علم را بر نسوان واجب نموده و خدای شما [فضل‌الله نوری] علم را برای زنان حرام کرده و خلاف دین و مذهب قرار داده است (همان).

همچنین در این رابطه زنان در نامه‌های خود از روایات منسوب به پیامبر اسلام در رابطه با اهمیت علم اندوزی زنان نیز استفاده می‌نمودند و با مقایسه خود با «زنان عالم» و پیشینه حضور اجتماعی زنان در طول تاریخ اسلام، در تلاش برای تحقق مطالبات و اندیشه‌های خود بودند. این زنان با مخاطب قرار دادن «خواتین محترم معارف پرور» و تأکید بر احادیث منسوب به پیامبر اسلام در خصوص اهمیت تحصیل و کسب آن «ولو بالصین» برای تمامی مسلمانان، برابری زن و مرد در «طلب علم» را تلقی کرده و با استفاده از این پردازش‌های دینی در تلاش برای تحقق مسأله «تحصیل» برای زنان برآمده بودند (شکوفه، ۱۲ رجب ۱۳۳۱ق: ۳-۲؛ همان، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ق: ۴).

نتیجه

بررسی وضعیت اجتماعی زنان، در سیر بررسی‌های تاریخ اجتماعی ایران و نگرش تاریخ از پایین قرار می‌گیرد. در این بررسی، از دوره مشروطه به عنوان نخستین دوره‌ای می‌توان نام برد که طرح مطالبات عمومی به ویژه طرح مطالبات اجتماعی زنان از مهم‌ترین مبانی صورت پذیرفته در آن است. در بررسی وضعیت اجتماعی زنان با توجه به مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی مربوط به زنان در دوره قاجار، این نتیجه به دست آمد که تبدیل شدن جنس زن به جنسیت مورد قبول جامعه، نکوهش نسوان و انقیاد زنان، سابقه‌ای به گستره ادبیات ایران دارد. از ادبیات سنتی که در بهترین شکل، گل صامت را نماد زن ایرانی می‌داند تا اندیشه مشروطه‌خواهی که او را در سیمای مام وطن و مادر ایران ظاهر می‌کند. وجه مشترک هر دو امر ساکن بودن و ساکت بودن زن است؛ یعنی، عدم حضور اجتماعی او.

در طرح مطالبات اجتماعی زنان ایرانی، هر چند اقدامات زنان ملل اروپایی و آسیایی به خصوص اقدامات زنان ژاپن در طرح مطالبات اجتماعی توسط نسوان ایرانی نقشی مهم داشته‌است اما ریشه‌های آن نگرش‌های تجددگرایانه، که دلیل نگارش نسوان ایرانی بوده است را باید در اندیشه‌های بومی جامعه ایران جست‌وجو کرد. در این میان اگرچه اقدامات زنان فرانسوی، انگلیسی و تحرکات زنان ژاپنی و چینی در نوع عملکرد نسوان ایرانی ایفای نقش کرده است، اما در نوع گروه‌های مورد مقایسه و بررسی پیشینه تاریخی، زنان ایرانی، نخستین تأکید خود را بر پیشینه دینی و اشخاصی مانند خدیجه و فاطمه، همسر و دختر پیامبر اسلام و ام کلثوم و زینب دختران علی بن ابیطالب قرار داده‌اند. در تحلیل پیشینه‌های ملی نیز زنان ایرانی در کنار توجه به منیژه دختر افراسیاب تورانی، تأکید ویژه‌ای بر روی همای بهمن‌دخت نیز دارند. دلیل این تأکید را نیز می‌توان بر جایگاه مثبت همای و اسطوره‌ای بودن او دانست. نگرشی که باعث می‌گردد زنان ایرانی در تحلیل خود دیدگاه‌هایی را مطرح کنند که به دلیل اسطوره‌ای بودن، نتوان آن امور را نفی نمود. مواردی که هر یک، تأکیدی بر دینی بودن و بومی بودن گروه‌های مورد مقایسه زنان ایرانی در خیزش اجتماعی‌یشان را دارد.

طرح مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات مشروطه، در قالب طرح و مطالبه‌هایی چون: ایجاد مدارس نسوان، برابری حقوق اجتماعی با مردان و مسأله حق رأی برای زنان مطرح شده‌است. زنان در طرح مطالبات اجتماعی خود با استفاده از برخی آیات قرآن، البته به صورت گزینشی در تلاش بوده‌اند تا برابری مرد و زن را از دیدگاه اسلام نشان دهند. آنان در طرح مطالبه حق تحصیل به کرار از حدیث منسوب به پیامبر اسلام مبنی بر «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» استفاده می‌نمودند، به طوری که حدیث مذکور، پر تکرارترین حدیث مطرح‌شده توسط زنان در تمام مطبوعات دوره مشروطه می‌باشد. مطالبه‌ای که اگر آغاز طرح آن را در سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش با تأسیس مدرسه دوشیزگان توسط بی‌بی خانم وزیرف بدانیم، با گذشت کمتر از یک دهه تلاش، می‌توان آن را مطالبه‌ای نتیجه یافته دانست و باید نقش پردازش‌های دینی را در تحقق آن، مهم تلقی کرد. در انتها نیز باید اشاره داشت هر چند زنان توانستند با استفاده از پردازش‌های دینی، جامعه عمل بر مطالبات اجتماعی و فرهنگی خود مانند ایجاد مدارس زنان پیشانند اما در تحقق مطالبات سیاسی خود مانند: انجام فعالیت‌های سیاسی، مسأله حق رأی و عضویت در مجلس شورای ملی در دوره مشروطه، ناکام ماندند؛ دلیل این ناکامی را باید در عدم تناسب میان ابزارهای مورد استفاده زنان مانند: استفاده گزینشی، توجیه و تفسیر به رأی‌های خاص از احادیث و روایات دینی برای تحقق برخی از مطالبات‌شان مثل حق رأی و مشارکت سیاسی که به دلیل برقراری مشروطه، ترویج رویکردهای شبه مدرن و تقلید از برخی رویکردها و تحولات غربی در ایران رواج پیدا کرده بود، دانست. همچنین فقدان نظام حقوقی (در عرف و شرع) در جامعه سنتی ایران دوره قاجار در خصوص حمایت از حقوق زنان، یکی از عوامل مؤثر در فقدان جایگاه اجتماعی زنان بوده است؛ مسأله‌ای که نقشی مهم در عدم تحقق برخی از مطالبات آنان مانند مسأله حق رأی در دوره مشروطه را با خود به همراه داشته است.

منابع و مأخذ

- آبادیان، حسین. صفری، زهره (۱۳۹۳)، «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه»، *جستارهای تاریخی*، سال ۵، شماره ۲، صص ۱-۱۹.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴)، *بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بی‌نام (۱۳۷۸)، «منتخبی از نشریات دوره مشروطه»، *در نگرشی بر زن و جنسیت در دوران مشروطه*، ویراسته ژانت آفاری-مژگان علی بخشیان و منصوره فتوره چی، رم، کانون پژوهش تاریخ زنان ایران.
- بی‌نام (۱۳۹۰)، در بیان تأدیب زنان و ارشاد اولاد ذکور، نسخه خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره بازیابی: ۳/۳۹۷۰/۱۲۵۸ق در کراچی، روح‌انگیز، *هشت رساله در بیان احوال زنان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بی‌نام (۱۳۹۰)، در بیان احوال زنان، نسخه خطی در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، شماره بازیابی: ۵/۱۰۴۳/۱۲۶۵ق در کراچی، روح‌انگیز، *هشت رساله در بیان احوال زنان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ترکیچی، فاطمه، ططری، علی-گردآورندگان- (۱۳۹۰)، *اسناد بانوان در دوران مشروطیت* (دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- زنجانی‌زاده، هما، باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه، با تأکید بر روزنامه زبان‌زنان»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۶، شماره ۱، صص ۶۱-۸۰.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۳۹)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، جلد ۷، تهران، بی‌نا.
- فصیحی، سمین (۱۳۸۹)، «از خلوت خانه تا عرصه اجتماع: رویارویی زنان با دوگانگی طبیعت و فرهنگ از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار»، در *تاریخ اسلام و ایران* شماره ۸، صص ۱۳۸-۱۱۵.

مطبوعات

- *ایران‌نو*، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۱۳، «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان».
- *انجمن*، ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۴ق، سال اول، شماره ۴۱.
- *بهبلول*، ۸ ربیع الآخر ۱۳۲۹ق، سال اول، شماره ۸، «بیچاره وطن».
- *تمدن*، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۱۲، «مکتوب یکی از مخدرات».
- *حبل‌المتین* (هفته‌نامه)، ۱۶ شوال ۱۳۲۴ق، سال ۱۴، شماره ۱۷، «نگارش یکی از مجلات قزوین».
- *حبل‌المتین*، ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۱۰۵، «لایحه یکی از خواتین».
- *حدید*، ۲۶ رجب ۱۳۲۴ق، سال ۲، شماره ۱۳، «طلب‌العلم فریضه علی کل مسلم ومسلمه».
- *دانش*، ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ق، سال ۱، شماره ۲، «تربیت از گهواره تا لحد است».
- *رهنما*، ۲۶ جمادی الآخر ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۱، «ادخلو فی سلم کافه».
- *زبان زنان*، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸، سال ۱، شماره ۱۵، «نامه از تهران».
- *زبان زنان*، ۹ شوال ۱۳۳۸، سال ۲، شماره ۳۴، «مادر ما ایران».
- *شرق*، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ق، سال ۲، شماره ۷۹، «لایحه انجمن مخدرات وطن».
- *شکوفه*، ذی‌قعدة ۱۳۳۰ق، سال ۱، شماره ۳، «لایحه تبریک است که از سرکار خانم مدیره محترمه دوشیزگان وطن رسیده».
- *شکوفه*، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ق، سال ۱، شماره ۶، «آگاهی یا حقیقت مطلب».
- *شکوفه*، ۱۲ رجب ۱۳۳۱ق، سال ۱، شماره ۱، لایحه «شاگردان مدرسه مبارکه حرمتیه».
- *شکوفه*، غره صفر ۱۳۳۲ق، سال ۲، شماره ۲۰، «در اساس اسایش زنده کی خانم‌های محترمه».

- شکوفه، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ق، سال ۲، شماره ۲۴، «مقایسه حالات زنان اروپایی با زنان ایرانی».
- شکوفه، ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۳۳ق، سال ۳، شماره ۲۰، «عوامل النساء».
- شمس، ۱۴ شعبان ۱۳۲۶ق، سال ۱، شماره ۲، «صورت تلغرافی که از جانب قومیته زنان ایرانی مقیمین اسلامبول به امپراطوریس و قرالیچه‌های دول اجنبیه کشیده شده».
- صوراسرافیل، ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵، سال ۱، شماره ۱، «مسئولیت قلم».
- صوراسرافیل، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵، سال ۱، شماره ۸-۷، «مقاله یکی از مخدرات وطن دوست».
- طوس، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۸، سال ۱، شماره ۲۹، «تقدیم زنانه یا همت مردانه» (مکتوب یکی از مخدرات).
- عصر جدید، ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۲ق، سال ۱، شماره ۵، «شکوفه».
- مجلس، ۱۶ شوال‌المکرم ۱۳۲۴ق، سال ۱، شماره ۶، «عریضه یکی از خواتین با علم به عنوان آقای محمد مجتهد دامت برکاته».
- مساوات، ۱۹ صفر ۱۳۲۶ق، سال ۱، شماره ۱۸، «تظلم جماعت نسوان طهران به انجمن اتحادیه طلاب».
- ناقور، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۱۳، «ترجمه از روزنامه اقدام مطبوعه اسلامبول نمره ۵۳۸ پروتست ایرانیان».
- ناله ملت، ۲۷ شعبان ۱۳۲۶ق، سال ۱، شماره ۱۹، «جمعیت اتحاد و ترقی ایران».
- ناله ملت، ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶ق، سال اول، شماره ۳۵، «بابیل و اصحاب الفیل».
- ندای وطن، ۲۳ شعبان ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۷۰، «لایحه اتحادیه غیبی نسوان».
- Afary, Janet, "Civil liberties and the making of Iran's first Constitution", *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 25, no.2, 2005.



- Thompson, Edward Palmer, "History from Below", *in the Essential E.P. Thompson*, edited by Dorothy Thompson, New York, the New Press, 2001.
- Sadeghi, Hamideh, *Women and Politics in Iran: Veiling, Unveiling and Revealing*, New York: Cambridge University Press, 2007.
- Milani, Farzaneh, *Veils and World: the Emerging voices of Iranian Women*, Syracuse N.Y: Syracuse University Press, 1992.
- Milani, Farzaneh, "Gender Relations in Persis", *Encyclopaedia Iranica*. Vol. 10, Fasc4, 1999, pp 405-411.